ایران؛رشدخرافهگراییدرنبودگروههایمرجع

نگاه منتقد

بیلبور دهای شهری از چه حرف می زنند

## بالابلندىهاىشهر،مالمردمنيست

شهری میشوند محملی برای تبلیغ سبک زندگی با یک امــکان برای ترویــج نوعی ایدئولــوژی و نقد سیاسیای که اُلبته بُا دَهنیت انبوه جُمعیْتی که از کنارشان ردمیشوند متفاوت است، دیگر تنها یک بيلبور دشهرى نيستند بلكه يكعلامت سوال بزرگند كەنمى توان از كنارشان آسان گذشت! مثل یک تلنگر میخواهند هــر لحظه چیزی را

**طرح نو|شادی خوشکار |**وقتی کهبیلبوردهای

سی یا صدار کی واست در از پیری از به یادمان بیندازند چیزی که در لایههای زیرین در جریان است و ماه شهروندان، ملت، یا هر اسم دیگری که رویمان بگذارند آن را نمی بینیم، ما ۔ رص لبخندها را می بینیم و خبرها را، اما از پشت پرده بی خبریم و حالا بخشی از جامعه، بخشی از آنهایی آگاهمان کنند. چـون ما نمیدانیم یـا از نگاه آنها خودمان را به ندانستن می زنیم. سال پیش که بیلبوردهای منتقد مذاکرات

هستهای در سطح شهر پخش شد، همه به دنبال پاسخگوبرای تبلیغات مخرب مخالفان سیاستهای " دولت بودند. ســوالی که پاسخ مشــخصی برای آن . ــدوحتــی مدیــر روابط عمومی ســازمان زیباسازی شهر تهران نیز از متولی این بیلبوردها رے۔ ظهار بی اطلاعی کرد. در ابتدا ایس بیلبوردها به تصاویسری از پی صداقتی طرف آمریکایسی در میز مذاکره دُرحاُلی که ســلاحی زیر میز پنهان کرده و شلوار نظامی پوشیده محدود می شد. اما در فاز بعد تبلیغاتی با عنوان «شمر زمانه را بشناس» نیز به آنها ــد که رنگ و بوک مذهبی به انتقادات علیه سیاست خارجی دولت داد. می گوید شمر زمانه را بشــناس و با تَصاوِیری که نشان می دّهد، می ُخواهدُ دانایی و آگاهی خود را به رخ شــهروندانی بکشد که یی ر ، - ـ یی حود را به رح تسهروندانی بکشد که بهزعم او از همه چیز بی خبرند و حالا باید دشمن را و شمر زمانه را به آنها شناساند.

سررد در به به سهد است. امسال هم از روزهای ابتدایی ماه محرم سطح شهر تهران میزبان هشداری دیگر علیه شمر زمانه شد که از طرفی دیگر طعنه به کسانی است که بااین شمر به

مذاکره نشستهاند. حرکتی که بارها از سوی برخی از مسئولان حساب نشده و خطر آفرین برای امنیت ملی ارزیابی شده است. محسن سرخو و غلامرضا انصاری از آهنای شورای شهر بودند که در بحبوحه جریان این بیلبوردها و پوسترها در سال گذشته نسبت به آن واکنشنشان داده ومخالفت خودرا اعلام کردند.

ُ نـگاه ایده پـردازُان ایـن بیلبوردُها هـم مُثل محل قرارگرفتن آنها از بالاســت پیام آنها چیــزی برآمده از مردم و جاری در گفتوگوهایشــان نیست بلکه مردم ر ۱۳۰۱ می این در این در این در ۱۳۰۱ می در ۱۳ است گویای یک واقعیت باشــد خلا نبودنگاه مردم در این بیلبُوردها قرارُ است با دستگیری از فُرهنگ، سنت

به بعد روحی- روانی زنان هم توجه ویژهای داشته است. زهره واحدی از روانشناسانی است که در

هفته یک روز رابرای حل مشکلات و صحبت با روز رابرای حل مشکلات و صحبت با زنان اختصاص داده است. او می گوید: زنانی که به او مراجعه می کنند اغلب دچار مشکلات روحی زیادی

ر . هستندافسردگی و کمبوداعتماد به نفس روحیه زنان نیازمندرا بهشدت تحت تأثیر قرار داده و اغلب

. اُنها فکر ُمی کنند که نمی توانند کاری اُنجام ُدهند. باید با آنها حرف زد و اجازه نداد که این افســردگی

در آنهانهادینه شودار طرفی بایدبر نامههایی ترتیب داد که زنان باخانوادمهایشان دور هم جمع شوندواز زندگی لذت ببرند. تنها کمکهای مالی کافی نیست و لذت بردن آنها از زندگی شرطی است که می تواند

ر بهبودرو حید ایه سور بست زنانی که به موسسه فیروزنیا مراجعه می کنند گاهی با فرزندانشان می آیند. خیلی از بچهها به دلیل شرایط بد زندگی قیسد درس خواندن را

دهاند.اعضای موسسه وقتی متوجه می شوند پسر ۱۵ ســالهای که همراه مادرش به موسسه مراجعه

کرده، ترک تعصیل کردهو حالادر یک رستوران کار می کندو روزگاری هم در تیم بسکتبال مدرسه بوده، بیشتر از آن که به فکر کمکهای مالی به

خُانواده باشــنُد، تَلاش می کُنند تا شــرایط درس خواندن برای پسر را دوباره مهیا کنند قرار میشود

یک نفر برای تحقیق به محل برود واگر ماجرا واقعیت داشت موسسه فیروزنیاهم به مادری کمک

می کند که درحال حاضر سرپرست خانوار است و

هم شــرایط دُرس خواندُن مُجَّدد بــرای فُرزندش مهیا شود. شــفیقه فیروزنیا معتقد است کار خی

ننما نیاید یک بعد داشته باشد. کمک مالی شاید

در کوتاهمدت بتواند چاره کار باشــداما در زندگی

نیازمندان حفرههای عمیقی وجود دارد که تنها با پول حل نمی شود. داشتن یک شغل مناسب، داشتن شخصیت اجتماعی، آرامش، داخوشی و

اعتمادیهنفس مهم ترین نیازهای زنان سرپرست خانوار است که باید به مرور به آن دست پیدا کنند. موسسه فیروزنیا در تمام این سالها سعی کرده تا

ین حفره هارااُرام آراُم پر کندو جای امنی برای زنان

به یک ضربالمثل قدیمی ایرانی ارجاع می دهدو بر بی اعتمادی نسبت به نتیجه مذاکرات تأکید دارد و آن رااز هماکنون با پیشـداوری منفی ارزیابی می کند. این بيلبور ددر گوشه سمت چپ خوداين عبارت را به همراه بلبورددر دوسه سمب پ حودین -. ر - ر . اشت: این اعتمادترین دولت . برخی دیگر از این تصاویر سعی دارند بدون این که ظر خود را نسبت به گفت و گــوی ایران بــا آمریکا

شمار ش معکوس

در مورد مسائل هسته ای ابراز کنند تصویری از آنچه ر رور که می بینندارایه کنند نمونه آن تصویری با دو دست است که به سوی هم دراز شده حرکتی که در روابط دييلماتيكجين سران كشورهامر سوماست اين تصوير " نسـت یکی از طرفهای مُذاکرات را از حالت انسانی خارج کرده اسـت که می توان آن را به دست شیطان نعبیر کرد. دستی با چنگال َهای بلند که حتے ، دست عغییر فرد،دسسی به چندالهی، بعد نه خنی دست کادرباآن نیز طرفرا متحمل آسیب می کند. در پایین این تصویر می خوانیم: همانات آمریکایی، همچنین اوباما در کنار شمر، سلاح در دست شمر است که انگار روی دیگر اوباماست، شعار تبلیغاتی این است: با ما باش، در امان باش، جملهای طعنه آمیز که مثل دیگر تبلیغات اصل مذاکره و گفتو گور از پر ســوال می برد. این تصاویر عمد تا سال گذشـــته به مناسبت سالگرد . نارت آمریکا نصب شدند مذاکرات ایران و گروه آ ۵۰۰هنوز به نتیجه نهایی نرسیده است همان طور که پیگیری ها برای توقف ایس نوع تبلیغات به جایی نرسید. با وجود این که واکنش های برخی مسئولان در سال گذشته توانست در برخی مناطق این نوع از تبلیغات را جمع آوری کند، امسال دوباره به سطح را پیش بکشد که مردم از کنار آن عبور می کنند و پشت پرده آن را نمی بینندد حالا این بیلبوردها و پشتپرده آن را نمی بیننسد. حالا ایسن بینبور ۱۰۰۰ می گویند نگاه کن!و فراتر از آن با جمله ها و تصاویری

- `` نشآن می دهند، می گویند: این جوری نگاه کن!ه اگرچه مردم خودشان بهترین قاضی اند و مسان ـــان بهترین قاضی اند و مسائل را خوب می فهمند اماای کاش آنهایی که دستشان را خوب می فهمند اماای کاش آنهایی که دستشان به بلندی ها می رسید - چه بلندی های شهر، چه بلندی تصمیم گیری های اجرایی - می رفتند در پی

سيدجوادميرى

ـیر خرافه گرایی مدرن به صــورت تاریخی، از اوایسل قسرن ۱۷ و ۱۸ میلادی بهعنسوان اولین در گیریهـــای ایدئولوژیــک در اروپایغُربی بین پیروان مذهب کاتولیک و پروتســـتان مطرح شد. هرکدام از این گروهها، سعی می کردند برای کمرنگ و بی اهمیت جلوه دادن اعتقادات طرف

مقابل باورهای یکدیگر راخرافه خطاب کنند. این خـود نوعـی بینش همـراه بـا دعواهای اید ئولوژیک بـود و به گونهای این تصـور را میان اید اداد ک که داده در ا - یی ر ذهن و زبان انسـان مدرن و معاصــر این تصورات جایگزین دیدگاههای قبلی قرار گرفت. بعطوری که افــُراد با باوری مذهبی و دینـُــی در صور تی که تفکرات آنها غیــر از نگاه علوم طبیعی و آکادمیک به مسائل پیرامون بُود، به عنُوان خُرافه، جادوگری یا فال پینی قالببندی می شد. در نگاه مدرن، قرارگرفتن در طیف معیارسنجی خبوب، بد، درستی یا نادرسُتی کاملاً علمی بوده و در مقابل آن هر آنچه که غیر از آن باشـد و ارتباط منطقی با پدیده ها بر قرار نسازد، در جرگه خرافه و جادوگری قرار می گیرد اماریشت و عوامل پیداش خرافه در جامعه به کنجکاوی انسان برای رسیدن به ارتباط ی کی ۔ تعریف و تبیین سازد و آنجایی که نمی تواند به این تعریف دســت یابد، ممکن است در ذهنش عامل یا عوامل دیگری جایگزین شود. به عنوان مثال، ی بوواس پیدری جریبری سود. به سوی مس. اگر در جامعه این گونه باین شـود کـه کار و تلاش مستمر منتج به سـود و رفاه بسیار بالا خواهد شد و خلاف آن به اثبات برسـد، این رابطه به ســمت شانس یا ناامیدی و بخت بد افراد سوق می یابد. در این شرایط فال پینی، کفبینی و رمالی به میدان مي أيند أمانتايج حاصل از أن به غرُقُ شدن افراده نی ... تفکرات وباورهای غیر منطقی و خارجاز عقل گرایی خواهدر سید.هر چقدر جامعه توسعه یافتهتر باشد؛ بهرههای بیشتری از نگاه علمی به مسائل پیرامون

بمانندبا رويكرد عقل محور، مي توان حد و حدود امور را در بیان باورها و تصوراً تی که انسان نہ مسائل دروني وبيروني خوددار دبهسمت ر دروی و بیروی عوده را به سمت سعیف درست از خوبی ها و بدی ها متمایل ساخت. اما به دلیل عدم اطمینان در مقابل آیندهای که افراد . برای خود متصور هستند، تفکرات و دیدگاهها به . فضای خراُفه و پیشگویی وُاستُفادهاز نظرات و باورهای غلطی می رود که به زعم عموم می تواند آنها را در رسیدن به آیندهای روشن کمک کند. در دنیایی که اصول علمی حرف اُول و آخر رامی زند، نمى توان تنهابه رابطه درست علت ومعلول هااكتفا كرد، بلكه بايد بااعتقاد به ارزشهاى دينى ومذهبى پاسخی درست برای سوالات غیرمادی انسان جستوجو گرنیزیافت. دین و اعتقادات مذهبے در زندگی اجتماعی

را بیان عمومی تمامی انسان ها نقش مهمی را ایفا می کند. اما چه عواملی باعث شده که از دین و مذهب با عنوان ابــزار خرافه و خرافه گرایی ستفاده شود؟ مرحوم شهيد با بیان این که ما دو گونه جامعه داریم، به بر ر لایههای پنهانی نفوذ خرافه با توسل به دین اشاره دارد و معتقد بود: «در جوامع مسلکی در مقابل - رو داد کی ها جامعه ایران ،نگاه مسلکی به تمامی امور دار د دین و مذهب اساس جامعه مسلکی ایران ت و اگر بخواهیم آن را با جامعه غربی مقایسه رو برو بروسیم آن رو به جمعه طربی معایسه کنیم، نبایداین تصور را داشته باشیم که چون جامعه غربی دین ندارد، پس مشکلات آن بسیار ت، بلکه باید به این مفهوم ، ر کلات جامعه مسلکی با شکل و سیاق خود فرم گرفته و در برخی موارد بسیار بیشتر از جوامع غیرمسلکی است. همانند نفوذ و گسترش ریا، دروغ و تظاهر به دینداری برای رسیدن به منافع و مطامع شخصی و گروهی، پس نباید تک بعدی به مسائل انسانی بانگاه صرفادینی نگریسته شود، زیرا باعث رشد جلوهای دیگر از خرافه با ادبیات مذهب

گاه حامعه شناختی «دکتر بهشتی» به عرصه ر کرافه گرایی در جامعهای کـه دین باوری و اعتقاد به عالم ماورایی جزیی از ماهیت آن جامعه اسـت، خطراتی را متوجه ساختارهای اجتماعی و باورهای فردی و گروهی می سازد و آن نفوذ خرافه با نگاه

## برگزاری کنسرتهای بانوان و تلاشهایی برای حل مشکلات زنان سرپرست خانوار

## حفرههایی که تنهاباپول پرنمی شود

طرح نو اسیمین غانم در تالار وحدت می خواند زنها با شعرهایش همراهی می کنند و صدا هر لُحَظه بلندتر میشَّود. سالن پر شـده از کسانی که ترجیـح دادند لابهلای برنامههایشــان در یک کنسرت خیریه شرکت کنند و علاوهبر این که از نسترت حیریه نستر نب تبنید و عمرومبر این نه از کنسرت لذت می برند سهمی هم در کمک کردن به دیگران داشته باشند. کنسرت که تمام می شود حال تمام کسانی که در سالن حضور داشتندخوب سـت.صدای خنده تمامــی نــداردو تمایل برای کمک کردن چند برابر شدہ اســت. زنھا دور ھ که جمع میشوند می توانند کارهای بزرگی انجام دهند.می توانند از کنــار هم بودن لذت ببرند و این احساس خوشایند را به دیگران هم منتقل کنند. این مهمترین اصلی است که برای کمک کردن به دیگران وجود دارد، این حرفها را شفیقه فیروزنیا ... رای را را را را یک را در این را در این کرد. می زند. کسی که سال های جوانی خود را برای کمک به دیگران گذاشته و حالا در میانسالی، موسسهای را راهاندازی کرده کـه بتواند با کمک اعضای آن به ـُت خانوار و ُدر جهــت بهبود زندگی زنان سرپرست خانوار و در جهت بهبود زندگی آنها کمک کند. او معتقد است، کسی که لذتی از زندگی نمی سرد و برای خودش وقت نمی گذارد ميچوقت متوجه نعمتهايي كه خدا به او داده است ىود،براىهمىن،ھمبراى كارھاىخُىرو كمک ز تجربه این سال هایش می گوید. از وقتهایی که شادی و احسساس رضایت از زندگی، انگیزه آدمها را در برجه بین را سراسیاس می نویند رو تعدیق که شادی و احسساس رضایت از زندگی، انگیزه آدمها را برای کمک به دیگران تقویت می کنند اگر بعد از کنسرتها در سالن حضور داشته باشی، متوجه می شوی در محیط هایی که شسادی بیشتر است ی رک ر ... بردم تمایل بیشـــتری به کمک دارند. همیشه این نصور وجود داشته که با گریه و تحت تأثیر قرار دادن دیگرُانٌ و اُستفاده از عواطفٌ مُردم می تواُن اُنَهَا را به سمت کارهای خیر و عامالمنفعه کشانداما من این موضوع راً تأیید نمی کنــم و بهطور قطع می گویم آدمهایی که از زندگیشان لذت میبرند و آن را در

هر ثانیه خود حس می کنند می توانند راحت تر به دیگران کمک کنندو قدمی بردارند موسسه فیروزنیا علاوهبر کمکهای مالی به زنان سرپرست خانوار از طریق کنسرتهای خیریه،



وقف؛ براي آدمهايي كه خستهاند می کنی پاهایت دیگر توان راه رفتن ندارد، بیا بنشین

مكانت صندلي خيابان جمهوري

**طرح نو|ساراشمیرانی|**صندلی راغل و زنجیر دهبه مغازهمعاملاتملکی|ش.نهاین که صندلی ر . . . قیمت خاصی داشته باشد یا مردم همهشان دزد باشند، نهابیشتر بهخاطر این که کسی فکر نکنداین صندلی یک وسیله به درد نخور است که صاحبش آن را نخواسته و گذاشته جلوی در. صندلی را غل و نجير كرده وشبهاهم مي گذارد همان جابيرون مغازه بماند، شاید عابر خستهای باز گذرش به

ومذهب پر شــود تامردم با آنها احساس نزدیکی کنند

ر در رسی نفر در صف سربازان شمر با لباس آمریکایی در پی القاء دیدگاهی است که میخواهد مشــروعیت خــودرااز

۔ عی ۔۔۔۔۔۔ می صوصه سوودرالر بنیانهای سنتی بگیرد سال گذشته نیز در همین ایام، تصویری با این مفهوم در بیلبوردهای بزرگ سطح شهر خودنمایی می کرد. جنگ رو در رو با شمری که ناگهان

ر در این در یده و پشت آن چهره اوباما نمایان است. شکل وشمایل این تصویر که به سبک پر دههای نقالی طراحی

ر ، یہ رس کی رس شدہ قصد دارد همسویی آن را با فرهنگ ایرانی نشان دهد. بهویژه اگر بیلبوردی را با تصویر خروسی که پر چم

آمریکااز دم آن آویزان است به یاد بیاوریم که بینند

ر تصویری که امسال هم شــاهد آن هسا

ونت فردن تحمیههای بخشید راهی وست املاک نیست. وقف یعنی یک چیزی را هدیه کنی به آدمهای دیگر که به کارشان بیاید. یک چیزی که رایت دعای خیر بخرد، خدا بیامرزی داشته باشد. حالا میخواهد یک زمین یک هکتاری باشد برای ساخت مدرُسه یا یک صندلی که شب و روز گوشه خیابان باشد و اســتراحتگاه آدمهای خسته شود. بک صندلی سفید دسته دار، شبیه صندلی های صندلی وقف آدمهای خسته می باشد». محمدعلی حاجی زاده ۳ سالی است که مغازهاش را آور ده به . خیابان جمهوری. ۳۰سـال بنگاه معاملات داشته والان هم همین کار راادامه می دهد ۴ماه بعداز باز کردن مغازه جدید، صندلی رامی آورد می گذارد جلوی در، تا آدمهایی خسته جایی برای نشستن داشته باشند. آدمهایی که خیلی هایشان میروند سمت مطب پزشکی که در انتهای خیابان یاسری است. صندای را گذاشته برای پیرمردهاو پیرزنهایی که راه رفتن برایشان سخت شده و هر چندقدم نیاز دارند که نفسی تازه کنند. گذاشته

«اوایل صندلی را بدون هیچ نو شته ای ر گذاشــته بودم جلــوی در، مردم

خیابان یاسری بیفتد. وقف کردن که همیشه بخشیدن زمین و ملک و 

خیسال می کردند جسزو امسوال مغازه است و بیاجــازه ىمىنىسىند. ھميں جملــه كوتــاه را كــه وشتم آدمها چند برابر د. پیر و جوان. اصلا چه فرقی میکندچه کسیی با چه اندازه خستگی میخواهد چند دقیقهای بنشيندوخستگى . . . در کنــد من این صندلی را گذاشتم

که بگویم، شــمایے کــه رد میشــوی و فکر

و نفسی تازه کن. هر چند وقف کوچکی است اما من آن را برای آدمهای خسسته گذاشته ام که در شهر کم ندالبته بعضى وقتهاهم قبسل ازاين كه مغازه را باز کنج مشتری هایج می آیند می نشینند و منتظر می ماندند تا من بیایم. آدم خسته در این شهر کم نداریم. چه آنهایی که جسم شان خسته است و چه آنهایی که روحشان خسته شده است. هرکدام . ــان را دارند خیلیها که میآیند و مینشینند آب یا چای هم می خواهند من هم دریغ نمی کنم. صندلی راشبهاهم بیرون مغازه می گذارم. خیلی وقتهاشده که صبح آمدم و دیدم یک نفر روی صندلی خوابیده حالا یا بی خانمان بوده یا گذرش به این خیابان افتاده صبح با آمدنم به مغازه از خواب بیدار شده و رفته صندلی را زنجیر کرده به کر کره مغازه که کسی آن را نبرد اتفاقا کار خوبی هم کرده. چون همان اوایسل یک نفر دیگر صندلسی ای را کنار صندلی من گذاشت اما چون آن را نبسته بود همان روز بردند. روی صندلی سـفید پر اســت از دعاهای أدمهايي كه أمدندو چند دقيقه ميهمان صندلي وقف ر ب این در بر ب ت این در ترابیامرزد، شده بودند. «خدا خیرت بدهد، خدا پدرت را بیامرزد» خدا خانــوادهات را ســـلامت نگــه دارد.» حاجی زاده می گوید، هر صبح صندلی را دستمال می کشد و جملهها را پاک می کند. امردم از سر محبت این جمعه وارای کی صفحه مورسر و سور متجدی پی جمله هارامی نویسند و گرنه که من کار بزرگی انجام ندادم هر چند خوشـ حالم که در حقم دعامی کنند. همین دعاها حال آدم را توی زندگی خوب می کند. بعضی وسیلهها، هر چقدر کهنه، هر چقدر کوچک و ناچیز در یک موقعیت و روز خاص، مهم ترین سرمایه آدمی می شــوند می شــود همان چیزی که مدتها دنبالش می گردی تا کمی در حق آدمهای دور و برت

خوبی کنی تابدهکار خودت جمه وری، حکایت همان چیزهای کوچکی است که نه به چشم ما می آید نه به عجله خيابان هاراطي میکنند کـه زودتر به مقصد برسند. حکایت هــزار ُوُســیله خاک خــورده در زندگی ما است که نمی دانیم با گذاشتنش در گوشه ين شهر شلوغ؛ تا چه اندازه میتوانیم خوبی کنیم، خوب باشیم و مرهبم آدمهای خسسته و

نا امیداین شهر

خواهد داشت و آن جامعه کمتر گرفتار خرافه

اُگر این نگاه معیار باشد، این سوال پیش خواهد فرازمینی در کشورهای پیشرفته از جمله آمریکا، رسوخ بیشتری یافته است؟ تعابیر و مثالهای رسی پیسترو سامی متعددی درخصوص تحلیه ل پدیدهها در جوامع مختلف مشاهده شده که به خرافه گرایی گرایش بیشتری داشته است. صرف محدود کردن نگاه علمی به تمامی پدیدهها به معنای یافتن تمامی ے۔ خھای موردنظر انســـانھانخواھد بســیاری از ســوالات در طول تاریخ برای انســان . بدون پاسخ مانده اســت و از جنبه علمی هم رفته و با معادلات علمی قابل پاسخگویی نی را در به معادی بین سویی بیشه حال این سوال پیش می آید: ما چگونه می توانیم پاسخگوی عطش انسان در مرزهای معنویت و نیزازهای عرفانی و روحانی آن باشسیم؟ مناسفانه تاکنون انسان نتوانسته است بین معنویات ومادیات مرزهای مشخص و به دور از افراط و تفریط ترسیم رر کر کر کر کرد کند. از یک سو می پینیم، انسان موجودی است که گرایشات روحانی با تصورات لاهوت و ناسوت رادر خود جای داده و از طرفی هم انسسان به دنبال دستیابی به ابعاد مادی و تامیسن نیازهای ذاتی خود است، اما زمانی که علت بسیاری از تصورات معنوی خود را پیدا نمی کند، به ورطه نادرستی و خرافه گراپی سقوطمی کند.

بر کی بری سونسی کند. یکی از راههایی که می توان با کجی ها و خرافه و خرافه گر ایی مبارزه کرد، شناخت در ست از ماهیت وجودی و درونی آنسیان است. ماهیت انسان در میان اجتماع، فرهنگ، بافست تاریخی و باورهای مختلف دینی و مذهبی شکل می گیرد. این انسان نیاز به نهادهایی دارد که در بسط و گسترش تأمین نیازهای معنوی و روحانــی او را هدایت کند. نظام ر دی را کرار و عالی و همچنین رسانههای گروهی به معنای عام در کنار ارباب معرفت باید فضای آموزش و تربیت انسانها را با نگاه نقادانه برمبنای عقل گرایی و شناخت در ست از معرفت پیرامون به عهده بگیرند. به زبان ساده تر باید افراد ا در مقابل فتارهای گمراه کننده واکسینه کرد، را در تعین رختارهای عبوره تعینه و تعیینه فره. همان طــوری که نوزادان را پــس از تولد در مقابل امراض و بیماریها واکســینه می کنند تا مصون

ی ست. در حال حاضر، یکی از مهم ترین علل گرایش نم ده خافه گانی، به دلیل آسییی است که در دن د درافه گرایی، به دلیل آســ مردم به خرافه گرایی، به دلیل آســ گروههای مرجع خوردهاند و حتی ناسیبی است که گروههای مرجع خوردهاند و حتی نابود شدهاند. اگر به تاریخ فرهنگی ایسران توجه کنیم، به نظر د، گروههای مختلفیی در جامعه وجود جنبه های معنوی جامعه را هدایت می کردند. علما، کسانی بودند که نگهبان علوم ظاهری بودند. زاهدان، با پر هیز کاری طیف دیگر جامعه را پوشش میدادند و عزلتنشینی را پیشه می کردند و عرفا بسیاری از لایههای درونی و رونی ذات انسان که به لایتناهی ختم میشد را برعهده می گرفتند و به پالایش روحی و درونی افراد با تصورات معنــوی می پرداختند. اما امروزه به نظر می رسد مرزهای علوم ظاهری و باطنی یا علوم طریقتی با علوم مدرسی از میان رفته است. این بدان معناست که ایجاد گروههای مرجع یں ہے۔ جدیدی باید جایگزین گروہھای قُدیمی ش که تاکنون برای احیای مجدد آنها، صورت نگرفته است و خوزههای بسیاری بدون هادی و رهنمارها شدهاند. این کاریک شبه انجام نشده بلکه در طول تاریخ، براســاس مولفههای تاریخی، اجتماعی و فرهنگی در کنار نیازهای افراد نهادینه شــدهاند. زمانی که گروههای مرجع آسیب دیدند، سواد معنسوی و توجه به الهیات کمرنگ شد تا جایی که مسیر جریان های فکری با طیف معنویات به سمت خُرافهُ و كجي جهتُ دارتر شد. اكنون بايد برای بالابردن سواد معنوی در بسیاری از حدود برای برای برای از خودمان از علمی در فضای عمومی از علمی در فضای عمومی پهرو برد، بخنظر می رساحه خوزه اندیشه کمتر به این موضوع برداخته است. در حالی که اگر به باین طوانی حدا گری این کمتر باید حزه را درست از پیرامون هستیم باید حزه را ندیشه به بخصوص روشت نفکران به باز تحلیل مسائل به خصوص در بخش معنویات و موضوعات ماوراه طبیعی اقدام کنند. امام جواد(ع) معتقد بودند: «حکمت را از اهــل باطل هم که شده بیاموزید، اما باطل را حتی از اهل حق هم